

دوفصلنامه پژوهش‌های مدیریت و فرماندهی نظامی
دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین(ع) - دانشگاه امیرالمؤمنین(ع) نرسا
سال شانزدهم، شماره ۵۰، (پائیز و زمستان ۱۴۰۰): صص ۱۲۴ - ۹۹

تحلیلی بر آیات مورد استناد مقام معظم رهبری «مُد ظله العالی» در موضوع جهاد و دفاع

حسن حکمتیان راز

دانشجوی دکتری مدیریت راهبردی، دانشگاه عالی دفاع ملی

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۱۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۰۱

چکیده

اسلام خاتم ادیان الهی است و تمام احکام و قوانین آن در راستای رشد، ترقی و تکامل همه‌جانبه انسان‌هاست. قانون جهاد یکی از مهم‌ترین احکام و آموزه‌های اسلام است که برای دفاع از توحید و رفع موانع و عوامل مزاحم از مسیر حرکت تکاملی انسان، وضع و تشریع شده است. دفاع، مفهومی مقدس، ارزشی و مبتنی بر آفرینش بشر و یکی از ارکان بقاء، حفظ نوع و سعادت‌مندی دنیا و آخرت اوست. فهم حقیقی و التزام عملی به آن، سبب امنیت، عدالت و رفاه عمومی می‌شود. هدف از این پژوهش احصاء و تحلیل آیات قرآن مورد استناد مقام رهبری «مُد ظله العالی» در مورد جهاد و دفاع بوده که با روش اسنادی و مطالعه اسناد و فیش‌برداری از سخنان معظم له، بررسی و تحلیل گردیده است.

واژه‌های کلیدی: جهاد و دفاع، جهاد فی سبیل الله، مجاهدت، شهادت

مقدمه

جهاد یکی از موضوع‌های بسیار مهم در قرآن کریم است. خداوند متعال در شرایطی خاص، بندگان مؤمن خود را به صورت فردی و یا جمعی به مبارزه تمام و جانانه و مقابله با دشمن مهاجم فرمان و نتایج آن را پیروزی می‌داند. امروزه ما شاهد تهاجم وسیع دشمنان در ابعاد نظامی، فرهنگی و اقتصادی به انقلاب و جمهوری اسلامی ایران

هستیم. بصیرت و آگاهی نسبت به چگونگی مقابله با دشمنان، آن هم از منظر خدای سبحان، امری بسیار مهم است. مطمئناً این بصیرت، انگیزه بسیار نیرومندی برای ما به وجود خواهد آورد تا در مبارزه با برنامه‌ریزی‌های دشمنان چاره‌اندیشی نماییم و آنها را در عمل ناکام سازیم این موضوع، ضرورت این پژوهش را روشن می‌سازد؛ لذا سؤال‌های اصلی این تحقیق عبارتند از: چیستی فلسفه جهاد، اهداف، انواع و فضیلت آن. در این زمینه، مقاومت و ایستادگی در برابر ظالمان و تجاوزگران، سرکوبی دشمنان دین و انجام فرمان‌های الهی هدف جهاد، جهاد با نفس و جهاد با دشمنان، انواع جهاد و نتیجه جهاد، رضایت پروردگار و فضیلت جهاد در قرآن کریم قابل توجه است.

امروزه زیاده‌خواهی انسان‌های سلطه‌طلب و در قالب نظامی استکباری، بیش از هر چیز دیگر بقای سلامت و پیشرفت همه جانبه افراد و حکومت‌های ضعیف را تهدید می‌کند. در مواردی، دفاع به مرگ هزاران انسان بی‌گناه منجر می‌شود و احقاق حقوق هم برای آنها ایجاد نمی‌شود. گویی حق در نهایت مظلومیت با آخرین اعتراض و دفاع از خود خاموش می‌گردد. دفاع، بالذات ارزش و قداست دارد؛ مهم درک و معرفت صحیح از آن است (آوینی، ۱۳۸۳: ۳۶). این معرفت است که به انسان درس مقاومت، صبر و مبارزه می‌دهد. این تحقیق بر آن است که به برآورد و تحلیل آیات قرآنی مورد استناد رهبر معظم انقلاب «مد ظله العالی» در مورد جهاد و دفاع بپردازد.

مفهوم جهاد و دفاع

واژه جهاد و مشتقات آن نود و پنج بار در قرآن آمده است. جهاد در لغت، به معنای تلاش کردن و به کار گرفتن نیرو و توان خویش برای تحقق بخشیدن به یک هدف است (مصباح، ۱۳۸۳: ۱۹). تلاش توأم با رنج را نیز، جهاد گویند (قرشی، ۱۳۸۶، ج ۲: ۷۷). جهاد یا ظاهری است یا باطنی. جهاد ظاهری با کافر است به وسیله تیغ، و جهاد

باطنی با نفس است به وسیله قهر (سجادی، ۱۳۷۹، ج ۱: ۶۶۴). همچنان آمده است جهاد به معنای نبرد با دشمن، در راه خداست و جهاد با نفس، با خود جنگیدن و خویشتن را از خودسری بازداشتن است (حسینی دشتی، ۱۳۸۵، ج ۲: ۷۵۵). واژه جهاد چون از باب مفاعله است، در مواردی به کار می رود که نوعی همکاری، تقابل و رقابت در آن وجود دارد. در جهاد به طور معمول طرف دیگری هم در کار است و دو طرف در برابر هم صف آرایی کرده، هر یک برای دستیابی به هدف خویش و پیروزی بر دیگری به فعالیت می پردازد و هر چه توان دارد، به کار می گیرد (مصباح، ۱۳۸۳: ۱۹). بر این اساس، جهاد هم «کارزار با دشمنان و به کار بردن حداکثر توان و نیرو، چه زبانی و چه عملی است» (خرمشاهی، ۱۳۷۷، ج ۴: ۸۶۷) برای گسترش پرتو اسلام یا خوف از تغلب آنهاست (سجادی، ۱۳۷۹، ج ۱: ۶۶۴) و دارای اهداف حق طلبانه و عادلانه است که برخی به آن جهاد مقدس گویند (مصباح، ۱۳۸۹: ۲۹)، هم مبارزه با هواهای نفسانی است؛ چنانکه خداوند می فرماید: «و جَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ» (حج. ۷۸).

دفع به معنای دور کردن و دَفَعَ به معنای دفاع کردن است، دَافَعُهُ عَنْ حَقِّهِ، به معنای از حقش محروم کردن؛ اِسْتَدْفَعَ اللَّهُ الشَّرَّ، از خدا دفع شر خواست، آمده است (منجد الطلاب، ۱۳۶۴: ۱۵۹). دفع به معنای دادن، کنار کردن و حمایت کردن ذکر شده است. دفع چون با «الی» متعدی شود، به معنی دادن است؛ مثل «فَادْفَعُوا إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ» (سوره نسا، آیه ۶) و چون با «عن» متعدی می شود، معنای حمایت و یاری دهد؛ مانند «إِنَّ اللَّهَ يُدَافِعُ عَنِ الَّذِينَ آمَنُوا» (سوره حج، آیه ۳۸) و چون به نفسه متعدی شود، به معنای کنار و دور کردن آید؛ مثل «ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ السَّيِّئَةِ» (مومنون، آیه ۹۶) سیئه مفعول «ادْفَعْ» است (قاموس قرآن، ۱۳۵۲: ۳۵۰).

انواع دفاع در اسلام

به موازات دو مرحله نظری و عملی تجاوز، دفاع هم دو نوع است: دفاع نظری و دفاع عملی یا دفاع حداقلی و حداکثری. دفاع نظری از دین و اعتقادات دینی در مقابل تهاجم نظری به آن هاست. اسلام گفتمان ویژه‌ای در مقابل گفتمان سلطه دارد و تهاجم فرهنگی دشمن خویش را پاسخ می‌گوید. به علاوه جهاد و دفاع عملی را نیز تشریح کرده و آن را پاسخی به تجاوز عملی دشمن قرار داده است. فلسفه جهاد و دفاع در اسلام مقابله با سلطه و ستم است. دیدگاه قرآن در مورد دفاع نوع اول به صورت قانونی کلی چنین است: [در مقابل شرک ورزی و کج روی مشرکان] به بهترین شکل، بدی را برطرف ساز؛ [زیرا] ما به آن چه آنان وصف می‌کنند، داناتریم (ناصرزاده، ۱۳۷۲: ۵۶). در مورد مشابهی نیز آمده است:

نیکی و بدی یکسان نیستند. به بهترین شکل، با بدی مقابله کن تا آن کسی که با تو دشمنی دارد، گویی با تو دوستی صمیمی است (ضیائی بیگدلی، ۱۳۷۳: ۶۵).

از این آیه بر می‌آید: اولاً، دفاع از دین و باورهای اسلامی لازم است. ثانیاً، این دفاع فرهنگی باید به شکل دفاع احسن، یعنی کاملاً منطقی و عاطفی باشد تا مؤثر بوده، دشمنی‌ها را از میان ببرد. البته همواره دفاع احسن و اقدامات فرهنگی کارساز نبوده، مشرکان و مهاجمان به ارزش‌ها و باورهای دینی را باز نمی‌دارد و باید اقدام نظامی در خدمت دفاع فرهنگی قرار گیرد:

از تو (پیامبر «صلی الله علیه و آله و سلم») درباره ماه حرام می‌پرسند که آیا جنگ در آن رواست؟ بگو جنگ در آن امری خطیر و ناروا و موجب بازداشتن مردم از راه خداست، نیز باعث کفر ورزیدن به خدا و مسجد الحرام است. بیرون راندن ساکنان مسجد الحرام و اهل حرم از آن، از جنگ در ماه حرام نیز نزد خدا ناپسندتر است و فتنه

و فساد (فرهنگی) از جنگ (فیزیکی) زشت تر است. کافران پیوسته با شما می جنگند تا بتوانند، شما را از دیتان برگردانند، پس آن که دچار ارتداد شده، از دینش بازگردیده، در حال کفر بمیرد، کارهای نیکش در دنیا و جهان دیگر بیهوده است و پیوسته در جهنم به سر خواهد برد (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۴۲۶).

بنابراین آیه: اول آنکه، فلسفه وجودی ماه حرام، ایجاد آرامش و جلوگیری از جنگ و خون ریزی است. دوم، هدف از استقرار صلح و امنیت، پرداختن به بندگی خداست. سوم آنکه، بازداشتن مردم از بندگی خدا و گسترش کفر و بی دینی و تهاجم به دین مردم، از جنگ فیزیکی در ماه حرام هم بدتر است. چهارم، فتنه گری و جنگ اعتقادی و فرهنگی، از خون ریزی و قتل عام زشت تر است. پنجم آنکه، هدف اصلی دشمنان خدا از جنگ ظاهری، فتنه فرهنگی و مرتد ساختن مسلمانان است و این امر برای آن ها از کشورگشایی و اهداف مادی مهم تر است. ششم آنکه، مسلمانانی که در دام ارتداد گرفتار آیند، به کلی ارزش خود را نزد خدا از دست می دهند، کارهای نیکشان هم پاداشی ندارد و همیشه در جهنم باقی خواهند ماند.

قرآن پس از کافر نامیدن «منافقان» (سوره مومنون، ۲۳)، در مورد آن گروه از منافقانی که درصدد فریب دادن مسلمانانند و می خواهند اعتماد آن ها و اعتماد کافران را جلب کرده، به اهداف خویش برسند و قصد دارند در هر فرصتی رسماً به کفر بازگردند، به مؤمنان دستور می دهد در هر شرایطی که به این منافقان دست یافتند، آنها را به دام افکنده، نابود سازند؛ چون خدا به روشنی مسلمان ها را بر آن ها چیره و مجوز جنگیدن با آنان را صادر کرده است (سوره فصلت، ۴۱).

حاصل این موضع گیری قرآن بر ضد آنان، از یک سو پلیدی نفاق، کفر و ارتداد است و از سوی دیگر اقدام نظامی نیز در خدمت مبارزه با نفاق، کفر و ارتداد بوده، در

مسیر دفاع از دین و باورهای دینی باید از آن بهره جست.

از نگاه قرآن، خدا نیز پشتیبان دین و ایمان مؤمنان است و به آن‌ها اجازه داده تا در برابر جنگ و ستم از خویش دفاع کنند و به آن‌ها وعده یاری داده است؛ زیرا آن‌ها به ناحق از خانه و دیار خویش آواره شده‌اند و گناهشان تنها خداپرستی بوده است. دفاع یک قانون کلی است و بدون آن عبادتگاه‌ها، مساجد و نماز و یاد خدا نابود می‌شود (بقره، ۲) بنابراین آیات، هم دفاع مشروع است و هم هدف آن، دفاع از دین و دین‌داری و جلوگیری از سلطه بی‌دینی و کفر است. سرانجام قرآن دفاع حداکثری و جنگ تمام‌عیار را نیز تشریح کرده که آن نیز ماهیتی دفاعی دارد و به هیچ‌رو سلطه و اهداف مادی را دنبال نمی‌کند:

در راه خدا با آن‌ها که با شما می‌جنگند، بجنگید ولی از حد نگذرید؛ زیرا خدا متجاوزان را دوست ندارد. هر جا به آن‌ها دست یافتید، آنان را از پا در آورید و چنان که آن‌ها شما را آواره کردند، آواره‌شان سازید. فتنه‌گری از جنگ و کشتار بدتر است. با کافران، اطراف مسجدالحرام تا با شما نجنگیده‌اند، نجنگید و اگر آن‌جا با شما درگیر شدند با آن‌ها بجنگید؛ زیرا جنگ شایسته کافران است. اگر آنان از جنگ خودداری کردند، خدا نیز آمرزنده و مهربان است. با آن‌ها بجنگید تا فتنه و فساد ریشه کن و تنها دین خدا حاکم شود. پس اگر آنان از فتنه‌گری خودداری کردند جز بر ستمگرانِ آن‌ها سلطه‌ای نخواهید داشت (نساء، ۴). بنابراین آیات: اولاً، جنگ باید عادلانه، دفاعی و پاسخ‌تجاوزگری باشد.

ثانیاً، اقدام نظامی مکمل دفاع فرهنگی و غیر نظامی و پاسخی به فتنه‌انگیزی و توطئه‌گری دشمن است.

ثالثاً، حرم خدا و مسجدالحرام، حرمت و قداست فوق‌العاده داشته، جنگ در آن جز از

روی ناچاری و در شکل کاملاً دفاعی مجاز نیست. رابعاً، هیچ دینی جز دین خدا یعنی اسلام که اکنون آخرین، کامل ترین و بدون تحریف است، اعتبار ندارد و پای بندی به هر دینی غیر از اسلام، فتنه گری و ماجراجویی به حساب می آید و باید با آن مقابله کرد.

روش پژوهش

روش مورد استفاده در این پژوهش اسنادی است. در این روش، منابع اصلی مورد استفاده، کتب و مدارک منشور و منظومی است که از دوره های گذشته به جای مانده است و به تازگی از اسلاید، فیلم و سایر تکنولوژی های ضبط وقایع تاریخی نیز در پژوهش اسنادی استفاده می شود. اسناد پژوهش اسنادی عمدتاً شامل اطلاعات و نتایجی است که توسط نویسندگان و پژوهشگران قبلی در حوزه مورد بحث فراهم گردیده اند (گیدنز، ۱۳۷۸: ۷۲۶). پژوهش اسنادی بر مبنای استفاده از اسناد و مدارک است و زمانی مورد کاربرد است که یا تحقیقی تاریخی در دست انجام باشد و یا آن که تحقیق مرتبط با پدیده های موجود بوده و محقق درصدد شناسایی تحقیقات قبلی در مورد آن موضوع برآمده باشد و یا آنکه پژوهش، نیاز به استفاده از اسناد و مدارک را ایجاب نماید و در اصطلاح آن که بخواهیم در یک زمینه خاص، مأخذیابی کنیم (ساروخانی، ۱۳۸۳: ۲۵۱).

رهبری و جهاد

حضرت آیت اله خامنه ای در بیانات خویش، به نقش و اهمیت رهبری در خدمت به خلق اشاره کرده اند که وظیفه رهبری بیشتر در جهت امید دادن و دلگرمی به خلق است. در هیچ مکتب سیاسی، توصیه نمی شود که رهبر یک جامعه به مردم بگوید: احتمال دارد شما از مرامتان دست بردارید و روزی مخالف من و اهدافم شوید. ظاهراً این خلاف سیاست است. رهبران همیشه باید مردم را تشویق کنند و به آن ها دلگرمی بدهند و امیدوارشان کنند. رهبر باید بگوید شما همه پایدار خواهید ماند و خدمت

خواهید کرد. قاعده عقلایی بشری در تدبیر جامعه و سیاستمداری همین است. اما قرآن می‌فرماید: «وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ؛ أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ وَ مَنْ يَنْقَلِبْ عَلَى عَقْبَيْهِ فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئًا وَ سَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ». (آل عمران؛ ۱۴۴) قرآن به جای این‌که به مردم نوید دهد که روز به روز بر جمعیت شما افزوده می‌شود و اسلام رونق پیدا می‌کند و چنین و چنان خواهد شد، می‌گوید پیغمبرتان از دنیا خواهد رفت، همان‌گونه که دیگران رفتند. آیا بعد از پیغمبر شما از دین خدا بر می‌گردید؟ آیا عقب‌گرد خواهید کرد؟ این هشدار است نسبت به این‌که چنین خطری، آینده جامعه اسلامی را تهدید می‌کند. چنین نیست که اگر کسانی یک سال، دو سال، ده سال و یا بیشتر ایمان آوردند و مبارزه کردند، زندان رفتند و در جنگ‌ها جانباز شدند، دیگر بیمه شوند و خطری آن‌ها را تهدید نکند. انسان تا زنده است و نفس می‌کشد، خطر انحراف برایش هست. شیطان همیشه هست و دست از سر آدمیزاد برنمی‌دارد. گذشته درخشان یک‌سال و ده‌سال قبل، هیچ ضمانتی برای آینده ایجاد نمی‌کند. همچنان که برای برخی اصحاب پیغمبر ضمانت نشد.

انواع جهاد

ایشان در سخنان خود همیشه به مساله جهاد توجه و به انواع آن نیز اشاره کرده‌اند. جهاد را همیشه مسلحانه در نظر نمی‌گیرند و با درایت تمام در سخنان خود، انواع جهاد را ذکر می‌کنند: «کسی خیال نکند که جهاد، همان جهاد مسلحانه را می‌گوییم؛ نه جهاد علمی و مالی و اقتصادی و جهاد در سنگر سازندگی که همه در جای خود محفوظند و فضیلت دارند تمام شده است. البته فضیلت جهاد مسلحانه با فضیلت‌های دیگر قابل مقایسه نیست. میدان این جهاد، میدان بازی است که خود این هم فرصت دیگری است. این‌ها نِعَم الهی هستند و شما باید از این فرصت‌ها استفاده کنید. این

فرصت‌ها، از شما مجموعه‌ای به وجود آورده است که افرادش می‌توانند به آن کمال بشری برسند. البته هم می‌توانند برسند و هم می‌توانند نرسند. مبدا کسی خیال کند که «الحمد لله بار ما بسته است.» شما این امکان و این لباس و کفش مخصوص کوهنوردی و این عضله قوی را دارید. حالا این گوی و این میدان! می‌توانید بروید و می‌توانید نروید. بعضی با همین امکانات، به جای این‌که به طرف اوج بروند، بر می‌گردند به طرف تنزل که شقاوت عظیمی است. خداوند ما را از این‌که دچار چنین وضعی شویم ننگه دارد. پس، این‌ها امکانات شماس است» (بیانات در دیدار جمعی از فرماندهان سپاه؛ ۱۳۷۳/۶/۲۹).

«امروز دنیای اسلام، افق روشنی در مقابل خود مشاهده می‌کند. دشمنان بزرگ و مستکبران گردن‌کلفت عالم که همه‌ی دنیا در اختیار آنها هست، امروز در مقابل خیزش امت‌های مسلمان و بیداری ملت‌های مسلمان، احساس ناتوانی می‌کنند؛ راه بر روی آنها بسته است و این نشان‌دهنده وعده الهی است که فرمود: «وَلْيَنْصِرَنَّ اللَّهُ مَن يَنْصِرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ» (سوره حج، آیه ۴۰). و فرمود: «و نريد ان نمَنّ على الذين استضعفوا في الأرض و نجعلهم ائمة و نجعلهم الوارثين» (سوره قصص، آیه ۵). اینها وعده‌ی الهی است. و فرمود: «و الله غالب على أمره». این وعده‌های الهی به برکت بیداری و حرکت مسلمان‌ها به تدریج خود را نشان می‌دهد. یک جهاد بزرگ در مقابل ملت مسلمان است. این جهاد لزوماً جهاد نظامی نیست؛ جهاد سیاسی است، جهاد فکری است، جهاد علمی است، جهاد اجتماعی است، جهاد اخلاقی است و امت بزرگ اسلام به تدریج با ابعاد گوناگون این جهاد آشنا شده است و آشنا می‌شود. امروز شما نگاه کنید به صحنه منطقه بسیار حساس خاورمیانه، همین پیشرفت امت اسلامی را می‌بینید» (بیانات در دیدار مسئولان نظام به مناسبت عید فطر؛ ۱۳۸۷/۷/۱۰).

جهاد علمی و عملی

پیشرفت و ترقی هر کشوری در گرو همبستگی اقشار و گروه‌های متفاوت جامعه است و همه اقشار در رشد و پیشرفت جامعه دخیل هستند و باید تلاش خود را در این زمینه افزایش بدهند. همچنین سازندگی نفس، یکی از مهم‌ترین بخش‌های رشد و پیشرفت است. در ابتدا نفس هر انسانی باید ساخته شود «اگر می‌خواهید کشور ایران آباد شود، رفاه و رونق اقتصادی، پیشرفت همه‌جانبه، عزت سیاسی، امنیت اجتماعی، امنیت شغلی، دانش و پیشرفت تحقیقات از یک طرف، و معنویت از یک طرف این کشور را روشن و نورانی کند، دو چیز را باید در نظر بگیرید. این دو چیز، وظیفه همه قشرها، مخصوصاً قشرهای آگاه است. کاسب، کشاورز، صنعتگر، کارگر، محصل، استاد، معلم، فرهنگی و روحانیون محترم، این دو چیز را باید با هم در نظر بگیرند. یکی این که در سازندگی کشور، همه باید با هم شرکت کنند. دوم این که در سازندگی نفس خود کوشش کنند. «و توبوا الى الله جميعاً ايها المؤمنون لعلكم تفلحون» (تدبر، آیه ۳۱)؛ فلاح و رستگاری به این است که همه ما راه توجّه به خدا، تضرّع و توسّل به پروردگار را به عنوان یک راه روشن داشته باشیم. هیچ کدام به تنهایی کافی نیست. مبدا کسی خیال کند که مملکت بدون فعالیت و تلاش سازندگی فقط با ذکر خدا گفتن آباد خواهد شد؛ ابداً. باید تلاش کرد، باید مجاهدت کرد؛ هم مجاهدت علمی، هم مجاهدت عملی» (بیانات در دیدار مردم ساری؛ ۱۳۷۴/۷/۲۲).

ارکان جهاد متّقوم

جهاد یکی از راه‌های مقابله با دشمن خارجی است که دارای ابعاد و ارکان متفاوتی است. برای مقابله با دشمن همواره باید بهترین راه‌ها را برای رسیدن موفقیت

انتخاب کرد. «پس، جهاد متقوم بر این دو رکن است: یکی این که در آن جدّ و جهد باشد؛ دیگر این که در مقابل دشمن باشد. اگر کسی علیه دوست جدّ و جهد کند، این جهاد نیست؛ بلکه فتنه و اخلال است» (بیانات در شروع درس خارج فقه؛ ۱۳۷۳/۰۶/۲۰).

جهاد حقیقت زندگی است

از نظر رهبری جهاد همان زندگی است. انسان برای زنده ماندن و زندگی کردن، هر روز نیازمند جهاد و مبارزه با مشکلات و امور زندگی است. بنابراین جهاد بخش جداناپذیری از زندگی است. زیرا که انسان هدفمند همواره به دنبال دستیابی به اهداف و موفقیت در زندگی است. فرد چنین تلاشی را می کند تا به نتایج مثبتی در زندگی دست پیدا کند. «جهاد، یعنی مجاهدت کردن و تلاش کردن. زندگی، یعنی این که ما این هدف ها را ترسیم کنیم و ارزش هایی را که برای ما عزیز و محترم است، مشخص کنیم و بعد با همه ی قوا بکوشیم؛ اصلاً زندگی جز این معنا ندارد و آلا اگر انسان از ارزش هایی (آن ارزش ها هر چه می خواهد باشد) خالی باشد، به یک جماد تبدیل خواهد شد» (بیانات در دیدار اعضای «گروه اجتماعی» صدای جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۰/۱۱/۲۹).

«در این نوع زندگی، هر چه می گذرد انسان احساس می کند که عمرش تلف نشده است؛ چون برای یک هدف عالی زحمت کشیده است... در پایان راه هم وقتی به پشت سر خود نگاه می کند، می بیند فرسنگ ها به هدف نزدیک شده است. لذا حسرت ندارد و احساس لذت می کند. این، زندگی واقعی است؛ زندگی برای آرمان ها و هدف های والا» (بیانات در دیدار اعضای «نیروی هوایی» ارتش در روز نیروی هوایی، ۱۳۷۱/۱۱/۱۹). انسان های متدین در زندگی به دنبال اهداف والا و پیشرفت

هستند که تنها با مجاهدت و تلاش میسر می‌شود. هر فردی در زندگی خود باید به دنبال تعیین اهداف و تلاش در جهت پیشبرد زندگی خود باشد تا بتواند به درجه کمال و مرتبه والا دست پیدا کند.

جهاد در ردیف اول واجبات

جهاد در اسلام از اولین واجبات است و همواره بیان داشته که بهترین نوع جهاد، کشته شدن در راه خدا و جهاد است. رهبری نیز در سخنان خود به جهاد در راه خدا اشاره و جزو اولین واجبات تلقی کرده است. همواره ستمگران و زورگویان سعی کرده‌اند جهاد را از فرهنگ اسلامی خارج کنند و این فریضه الهی را از بین ببرند تا همه را مصرف کننده و دین گریز بار بیاورند. «اسلام در اولین ردیف فهرست کارهای واجب، مجاهدت در راه خدا را قرار می‌دهد. «و جَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ» (حج، آیه ۷۸)؛ در راه خدا آن چنان که شایسته است، مجاهدت کنید. این مجاهدت، هم مجاهدت درون خود، هم مجاهدت در محیط بیرون، هم مقاومت در مقابل زورگویان و ستمگران و هم مقاومت در مقابل موانع طبیعی است. خدا مظهر کامل آن همه ایستادگی در مقابل قدرت‌های ستمگر و ظالم است. سال‌های متمادی، مستکبران و قلدران و زورگویانِ عالم سعی کردند جهاد را از فرهنگ اسلامی خارج کنند، جهاد را زشت کنند، مجاهدۀ فی سبیل الله را از چشم‌ها بیندازند و هر جا گروهی در راه خدا قیام کرد و کمر به خدمت بست و برای خیر بشریت و آبادی روی زمین در پرتو احکام الهی حرکت کرد، متهمش کنند» (بیانات در دیدار عمومی به مناسبت عید سعید فطر؛ ۱۳۷۷/۱۰/۲۸).

جهاد: تسریع در اهداف الهی

از نظر رهبری، جهاد باعث تسریع در رسیدن هر چه بیشتر اهداف الهی می‌شود. فردی

که در زندگی، اولیا و ائمه را الگوی خود قرار می دهد و برای رسیدن به اهداف خود تلاش می کند، در نتیجه هر چه بیشتر به اهداف الهی نزدیک تر و با ایمان تر می شود. «در سنت الهی، اراده انسان تعیین کننده است. اینکه اسلام انسان ها را به مجاهدت دعوت می کند، «و جاهدوا فی سبیل الله» یا «و جاهدوا فی الله حق جهاده» یعنی «همه ظرفیت خود را در راه مجاهدت مصرف کنید» به خاطر این است که اگر به این توصیه الهی عمل کردیم، به هدف الهی زودتر خواهیم رسید. هدف الهی، ثابت و قطعی و تخلّف ناپذیر است. اگر ما عمل نکنیم، دیگران می آیند و عمل می کنند: «من یرتدّ منکم عن دینه فسوف یأتی الله بقوم یحبّهم و یحبّونه» (مانده، آیه ۵۴). خدای متعال این راه و این سرمنزل و این سرنوشت را قطعی قرار داده است» (بیانات در جمع مسئولان و کارگزاران در سالروز ولادت فرخنده نبی اکرم «ص» و امام جعفر صادق «ع»؛ ۱۳۸۱/۰۳/۰۹).

جهاد علمی، رسالت اول دانشگاهیان

رشد و پیشرفت هر کشوری، مدیون دانش و آگاهی قشر جوان به ویژه دانشگاهیان است که آینده هر کشوری به دست این نیروهای جوان رقم می خورد. بنا به خواست رهبری، هدف اولیه و اصلی آنها باید تلاش و کوشش برای رسیدن به موفقیت باشد. تا حدی که کشور بدون وابستگی، به استقلال کامل برسد. «بی شک بخش مهمی از گناه عقب ماندگی علمی کشور در دوران بیش از پنجاه سال حکومت رژیم فاسد، همچون سهم بزرگی از بی لیاقتی کارگزاران آن رژیم که در سایه چنین تفکری پرورش یافته بودند، بر دوش کسانی است که دانشگاه کشور را آن گونه می خواستند و برای آن برنامه ریزی می کردند. انقلاب اسلامی، جهت گیری دانشگاه را یکسره دگرگون کرد و خودباوری، ابتکار، استقلال، پابندی به ارزش های اسلامی، جهاد علمی و آزادی از

اسارت و تبعیت را جهت اصلی آن قرار داد. امروز رسالت اول دانشگاهیان، حفظ این جهتگیری و تلاش برای شکوفا شدن استعداد علمی و فکری نسل جوان بالنده کشور است. نظام اسلامی نشان داده است که ملت ایران، دارای ظرفیت عظیمی برای پیشرفت در همه عرصه‌های زندگی است. گام بلند انقلاب، در این راه طولانی، قطع وابستگی و تبعیت است. محیط علمی باید در عین آن که بالاترین بهره ممکن را از دانش پیشرفته جهان می‌برد، متکی به خود و مبتکر و خلاق و کاوشگر باشد. نظام سلطه جهانی همیشه کوشیده است که به وسیله عوامل تبلیغی خود، احساس حقارت و ناتوانی و نیاز را در ملت‌هایی که از قافله علم و فناوری عقب مانده‌اند، تقویت کند و آنان را همیشه نیازمند خود نگاه دارد. تأکید مکرر امام راحل بر اسلامی شدن دانشگاه، برای این بود که نسل جوان تحصیلکرده کشور از این احساس ناتوانی و نیاز نجات یابد و به نجات کشور از تبعات وابستگی دوران گذشته همت گمارد» (پیام به گردهمایی ویژه‌ی دانشگاهیان و دانشجویان در تجلیل از حضرت امام خمینی (ره)؛ ۱۳۷۸/۳/۱۲).

بسیج عرصه جهادی است

یکی از مهم‌ترین نهادهایی که در جامعه فعالیت دارند و برای آبادانی کشور تلاش می‌کنند و همیشه در جهاد‌های متفاوت در صف مقدم بوده‌اند، بسیج است. بسیج قشری از جان گذشته است که برای آبادانی و جهاد همواره تلاش کرده است. «عرصه حضور بسیج خیلی وسیع‌تر از عرصه نظامی است. این که من بارها گفتم و تکرار می‌کنم که نباید بسیج را یک نهاد نظامی به حساب آورد، تعارف نیست؛ بلکه حقیقت قضیه این است. بسیج عرصه جهاد است، نه قتال. قتال یک گوشه‌ای از جهاد است.

جهاد یعنی حضور در میدان با مجاهدت، با تلاش، با هدف و با ایمان؛ این می‌شود جهاد. لذا «جاهدوا بأموالکم و أنفسکم فی سبیل اللّٰه» (توبه، آیه ۴۱)؛ جهاد با نفس،

جهاد با مال. جهاد با نفس کجاست؟ فقط به این است که توی میدان جنگ برویم و جانمان را کف دست بگیریم؛ نه، یکی از انواع جهاد با نفس هم این است که شما شب تا صبح را روی یک پروژه تحقیقاتی صرف کنید و گذر ساعات را نفهمید. جهاد با نفس این است که از تفریحتان بزنید، از آسایش جسمانی‌تان بزنید، از فلان کار پریپول و پردرآمد- به قول فرنگی‌ها پول‌ساز- بزنید و در این محیط علمی و تحقیقی و پژوهشی صرف وقت کنید تا یک حقیقت زنده علمی را به دست بیاورید و مثل دسته گل به جامعه‌تان تقدیم کنید؛ جهاد با نفس این است. یک قسمت کوچکی هم جهاد با مال است. پس عرصه بسیج یک عرصه عمومی است؛ نه مختص یک قشر است، نه مختص یک بخشی از بخش‌های جغرافیایی کشور است، نه مختص یک زمانی دون زمان دیگری است؛ نه مختص یک عرصه‌ای دون عرصه دیگری است. در همه جاها، در همه مکان‌ها، در همه زمان‌ها، در همه عرصه‌ها و در همه قشرها، این وجود دارد. این معنای بسیج است» (بیانات در دیدار اعضای بسیجی هیأت علمی دانشگاه‌ها؛ ۱۳۸۹/۰۴/۰۲).

مکتب بسیج، مکتب مجاهدت و شهادت

بسیج سراسر تلاش و مجاهدت است. هر فرد بسیجی برای مجاهدت در راه خدا آماده است و تلاش می‌کند تا در مسیر اسلامی گام بردارد و ارزش‌های معنوی را در جامعه استحکام بخشد. ارزش جهاد و شهادت یکی از بالاترین ارزش‌هاست که در باید در جامعه اسلامی و خصوصاً جوانان رواج پیدا کند. «مکتب بسیج، مکتب مجاهدت معنوی و مخلصانه است. این مجاهدت، برای ملت و کشور و بالاتر از همه برای دین خدا و سرافرازی پرچم آزادی اسلامی در همه دنیا است. این مجاهدت خطراتی دارد. بالاترین خطر برای انسان، جان باختن است. در مکتب بسیج، نام این جان باختن

«شهادت» است. شهادت بالاترین ارزش عاشورایی انسان و بالاترین ارزش در معیار ارزش‌های معنوی است. در روایت وارد است: «فوق کلّ ذی برّ برٌّ حتی یقتل الرّجل فی سبیل الله» (الکافی، ۳۴۸)؛ بالاتر از هر فضیلتی، ارزشی و معنویتی، ارزش دیگری وجود دارد، تا وقتی که فرد به شهادت می‌رسد که بالاترین ارزش‌هاست. آن معنای جهاد است و این معنای شهادت است» (بیانات در میدان صبحگاه ستاد نیروی مقاومت بسیج؛ ۱۳۸۴/۰۶/۰۲).

جهاد و شهادت دو فصل بزرگ حرکت بسیجی

جهاد در راه خدا در فرهنگ اسلامی، یکی از بالاترین ارزش‌هاست و برادران بسیجی همواره به دنبال پایه گذاری این اصول ارزشی و فرهنگ جهادی هستند. امت اسلامی به دنبال رشد و ترقی و نهاده شدن ارزش‌هایی مانند جهاد و شهادت است که بسیج و نهادهای جهادگر باید این امر را به نهایت برسانند. «افرادی به نیابت از دشمنان عزت این ملت، سعی کردند جهاد را بد نام کنند. الآن می‌دانید در کشورهای از منطقه ما، سعی امریکایی‌ها بر این است که آیات جهاد را از کتاب‌های درسی بیرون بیاورند؛ اصرار کردند که باید این کار را بکنید؛ بعضی از دولت‌های ضعیف و زبون هم این را قبول کردند. می‌خواهند جهاد را از آیات قرآن و تعالیم دینی خارج کنند؛ چون ضامن عزت ملت‌های اسلامی و امت اسلامی و بزرگ‌ترین سنگر و حصن حصین مقاومت، جهاد فی سبیل الله است.

شهادت را به عنوان یک عمل ساده لوحانه معرفی کردند که خود برترین ارزش‌هایی است که جهاد به دنبال دارد. جهاد وقتی می‌تواند اثر خودش را به طور کامل نشان دهد که با دل نهادن به شهادت همراه باشد. جهاد و شهادت، دو فصل بزرگ حرکت بسیجی است. بسیجیان عزیز ما تا امروز پیشرفت‌های خوبی کرده‌اند؛ این

پیشرفت‌ها باید همچنان ادامه پیدا کند. مطمئناً این الگو در کشور عزیز ما دنیا را تحت تأثیر قرار خواهد داد. امروز مسائل ایران با مسائل دنیا مرتبط است» (بیانات در میدان صبحگاه ستاد نیروی مقاومت بسیج؛ ۱۳۸۴/۰۶/۰۲).

شروط لازم برای جهاد

یکی از مهم‌ترین شروط جهاد، تزکیه است. برای تزکیه نیازمند این هستیم که فرد نفس خود را تزکیه نموده و در راه جهاد و مجاهدت گام بردارد. وجود انسان‌هایی که دارای تزکیه نفس هستند، ضامن موفقیت و جهاد در راه خداست. «من در این جمع پُرشور و صمیمی و مؤمن، مطلبی را عرض می‌کنم که از امهات مسائل فکری ماست. در اسلام، نقطه اصلی و محوری برای اصلاح عالم، اصلاح نفس انسانی است. همه چیز از اینجا شروع می‌شود. قرآن به آن نسلی که می‌خواست با دست قدرتمند خود، تاریخ را ورق بزند، فرمود: «قوا انفسکم»، «علیکم انفسکم». خودتان را مراقبت کنید، به خودتان بپردازید و نفس خودتان را اصلاح و تزکیه کنید؛ «قد افلح من زکیها» (شمس، آیه ۱۰). اگر جامعه اسلامی صدر اول اسلام، از تزکیه انسان‌ها شروع نشده بود و در آن به اندازه لازم، آدم‌های مصفا و خالص و بی‌غش وجود نداشتند، اسلام پا نمی‌گرفت، گسترش پیدا نمی‌کرد، بر مذاهب مشرکانه عالم پیروز نمی‌شد و تاریخ در خط اسلام به حرکت نمی‌افتاد. اگر انسان‌های مزکی و مصفا نباشند، جهاد نیست.

انقلاب ما که پیروز شد، به برکت صفا و خلوص و اخلاص و کار برای خدا و بلند شدن از سر منافع مادی و شخصی بود. مقاومت در جنگ تحمیلی هم همین طور بود. این شهدای عزیز ما، یا این جانبازان، در اوج صفا و اخلاص، به استقبال شهادت رفتند و شهید شدند و همین شهادت‌ها و مقاومت‌ها و به استقبال خطر رفتن‌ها بود که انقلاب را حفظ کرد، اسلام را عزیز کرد، مسلمین را قوی کرد و دشمنان اسلام و امریکا

را خوار نمود» (سخنرانی در دیدار با مسئولان بنیاد شهید، جمعی از اساتید و دانشجویان دانشگاه‌ها و اقشار مختلف مردم؛ ۱۳۶۹/۰۵/۲۴).

موانع جهادی؛ سنتی الهی

برای جهاد و مجاهدت، نیازمند انسان‌هایی از جان گذشته و دارای تزکیه نفس هستیم. اما همواره در جامعه انسان‌هایی وجود دارند که دچار مکر و فریب شده‌اند و در راه پیشرفت و رشد تمدن اسلامی گام بر نمی‌دارند باید این گونه افراد را شناخت و ارشاد کرد. «همه این موانع جزو سنت‌های الهی است. وجود این موانع تصادفی نیست. این‌ها سنت الهی است؛ یعنی تلاش و حرکت با مانع مواجه است و آلا جهاد معنا نمی‌داشت: «و کذلک جعلنا لكلّ نبیّ عدواً شیاطین الانس و الجنّ یوحی بعضهم الی بعض زخرف القول غرورا» (انعام، آیه ۱۱۲)؛ در همه دعوت‌های انبیا، دشمنان- موانع- از جن و انس وجود داشتند. در آیه‌ی دیگر: «و کذلک جعلنا فی کلّ قریه اکابر مجرمیها لیمکروا فیها و ما یمکرون آلا بانفسهم» (انعام، آیه ۱۲۳). در درون جوامع، طبقاتی که وجود آن‌ها مایه فساد، مایه مکر بوده است؛ این‌ها جزو سنت‌هاست. یعنی هرگز انبیا نگفتند ما آن وقتی که جاده صاف است وارد میدان می‌شویم؛ نه، در همین فضا و صحنه به شدت درگیر و دشوار، آن‌ها وارد شدند؛ مثل جمهوری اسلامی و انقلاب اسلامی» (بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه‌های شیراز؛ ۱۳۸۷/۰۲/۱۴).

علل جهاد

جهاد در راه خدا می‌تواند علل متفاوت داشته و از شرایط و موقعیت‌های متفاوتی نشأت گرفته باشد. «بعد از ایمان آوردن به اسلام، آنچه که مطرح می‌شود، حفظ خط‌کشی‌های اسلام است. «و من یتعدّ حدود الله فأولئک هم الظالمون» (بقره، آیه

۲۲۹). تعدی از حدود الهی، جایز نیست. اسلام، خطکشی‌ها را دقیق معین کرده است. اگر کسی هم فکر کند که اسلام خطکشی نکرده است، باید خودش را ملامت کند و برود معلوماتش را زیاد نماید. حکومت اسلامی و نظام جمهوری اسلامی، آن وقتی سربلند است که بتواند حدود الهی را حفظ کند.

عَبَادِ بَصْرِي، امام سَجَاد (سلام‌الله‌علیه) را در راه حج دید و عرض کرد: «ترکت الجهاد و صعوبته و اقبلت علی الحجّ و لینه». یعنی جهاد و سختی هایش را رها کرده و سراغ حج آمده‌ای که کار آسانی است؟! این آیه را هم برای حضرت خواند: «انّ الله اشترى من المؤمنين انفسهم و اموالهم بانّ لهم الجَنَّةَ يقاتلون في سبيل الله فيقتلون و يقتلون» (توبه، آیه ۱۱۱). او برای امام سَجَاد (ع) آیه قرآن می‌خواند که چرا شما عوض جهاد، به حج می‌آیید؟! جهاد زیر پرچم چه کسی؟ عبد الملك مروان! یعنی امام سَجَاد (ع) زیر پرچم عبد الملك برود و جهاد کند؟ آیا این جهاد است؟ حضرت فرمود: دنباله این آیه را بلدی؟ عرض کرد: بله. فرمودند: بخوان. خواند: «التَّائِبُونَ الْعَابِدُونَ الْحَامِدُونَ السَّائِحُونَ الرَّاكِعُونَ السَّاجِدُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّاهُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ الْحَافِظُونَ لِحُدُودِ اللَّهِ» (توبه، ۱۱۲). حضرت فرمود: هر وقت که تائبون، عابدون، حامدون، سائحون، راکعون، ساجدون، آمرون بالمعروف، ناهون عن المنکر و حافظون لحدود الله سر کار آمدند، من زیر پرچم آن‌ها می‌روم و آنگاه جهاد خواهم کرد؛ حالا روز جهاد نیست. حدود را بشناسید و طبق آن عمل کنید. هرچه که حد الهی است، آن درست است» (بیانات در دیدار با فرماندهان و جمعی از پاسداران کمیته‌های انقلاب اسلامی، ۶۹/۱۰/۱۰).

بهره‌های جهاد فی سبیل‌الله

بهره مورد نظر (از جهاد) چیست؟ آن بهره دو بخش دارد: یک بخش شخصی دارد که

این اصل قضیه است. (این را توجه کنید!) قسمت اعظم مجاهدت در راه خدا، برای شخص خود شماست. «علیکم انفسکم لا یضرکم من ضلّ اذا اهتدیتم» (مائده/۱۰۵) اصل قضیه این است که ما باید به عنوان یک بنده خدا، از عهده بندگی خدا برآییم... تلاش و جهادی که می‌کنیم، سازندگی، خودسازی و دیگرسازی، که به دنبالشان می‌رویم، خدمتی که به خلق می‌کنیم، اقامه عدلی که می‌کنیم، حکومتی که به راه می‌اندازیم، همه در درجه‌ی اول، برای این است که پیش خدای متعال به عنوان یک بنده بتوانیم عرض کنیم: «پروردگارا! ما حق بندگی تو را تا حدی که توانستیم به جا آوردیم.» ... پس در درجه اول تلاش مورد نظر است. در درجه دوم، مسائل دیگر مورد نظر است؛ مثل نجات بشریت، اقامه حکومت عدل و حق و ایجاد راهی که بشر بتواند از آن راهی به خدا و هدایت برسد (بیانات در دیدار فرماندهان رده‌های مختلف سپاه پاسداران، ۱۳۷۳/۶/۲۹).

مجاهدت فقط برای خدا

«یکی از کارهای واجب و اصلی برای هر انسانی، چه در موضع یک فرد، چه در موضع یک جمع که حکومت و یا یک قدرت باشد، این است که مبارزه کند؛ یعنی دائم باید تلاش کند و به تنبلی و بی‌عملی و بی‌تعهدی تن ندهد. گاهی انسان عمل هم دارد، اما نسبت به وظایف اصلی تعهد ندارد؛ می‌گوید به ما چه! کج‌روی‌های برخاسته از هوس نیز همین‌طور است. انسان به این‌ها نباید تن بدهد. بایستی حتماً با تنبلی و بی‌عملی خودش مبارزه کند؛ تلاش و مجاهدت کند و در این راه قبول خطر کند. این یکی از وظایف است. البته این مجاهدت باید مجاهدت فی سبیل الله باشد» (بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران؛ ۱۳۷۹ / ۰۹ / ۱۲).

پیروزی قطعی در گرو مجاهدت فی سبیل الله

«امید به پیروزی در همه‌ی شرایط [لازم] است؛ به شرط آنکه جهاد فی سبیل الله باشد. کسی که مشغول مجاهدت است، حق ندارد ناامید شود؛ چون یقیناً پیروزی در انتظار اوست. آن مواردی که پیروزی به دست نیامده و ناکامی حاصل شده است، به این خاطر بوده که مجاهدت فی سبیل الله نبوده است؛ یا اگر مجاهدت بوده، فی سبیل الله نبوده؛ یا اصلاً مجاهدت نبوده است. شرط مجاهدت فی سبیل الله چیست؟ این است که انسان به سبیل الله، ایمان و باور و معرفت داشته باشد و آن را بشناسد؛ بنابراین می‌تواند در راه آن مجاهدت کند» (بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران؛ ۱۳۷۹/۰۹/۱۲).

پاداش مجاهدت در راه خدا

جهاد در راه خدا یکی از بهترین جهادهاست که در آن فرد از جان خود می‌گذرد و به مبارزه می‌پردازد و بهترین پاداش‌ها نصیب فرد می‌شود. «مجاهدت‌های در راه خدا با این چیزها قابل مقابله و قابل جبران نیست. خدای متعال می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَىٰ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةُ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ» (توبه، آیه ۱۱۱) آنچه در برابر مجاهدت در راه خدا وجود دارد و خدای متعال در مقابل تقدیم کردن و روی دست گرفتن جان و مال در راه خدا قرار داده، بهشت است، رضای خداست. آن چیزهایی که در دست و بال ماست - چه تشکر زبانی‌مان، چه تشکر عملی‌مان، چه نشانمان، چه درجه‌ای که می‌دهیم- چیزهایی است که بر حسب محاسبات مادی دنیایی قابل ذکر است. اما بر حسب محاسبات معنوی و الهی قابل ذکر نیست. الحمدلله همه‌ی شماها این مجاهدت‌ها را کردید، تلاش کردید. الحمدلله خدای

متعال به این برادر بسیار عزیزمان -آقای سلیمانی- هم توفیق داده. ایشان بارها، بارها، بارها جان خودشان را در معرض تهاجم دشمن قرار داده‌اند، در راه خدا، برای خدا و مخلصاً لِلَّهِ مجاهدت کرده‌اند. ان شاء الله خدای متعال به ایشان اجر بدهد و تفضل کند و زندگی ایشان را با سعادت و عاقبت ایشان را با شهادت قرار بدهد، البته نه حالا. هنوز سال‌ها جمهوری اسلامی با ایشان کار دارد. اما بالاخره آخرش ان شاء الله شهادت باشد. ان شاء الله مبارکتان باشد» (بیانات در مراسم اعطای نشان عالی ذوالفقار به فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی. ۱۳۹۷/۱۲/۱۹).

جهاد و تمدن اسلامی

«بعثت انبیا برای ایجاد یک جامعه فاضله است. همان طور که اشاره کردند، برای ایجاد یک تمدن است. خب، این تمدن همه چیز دارد؛ در تمدن همه چیز هست؛ هم علم هست، هم اخلاق هست، هم سبک زندگی هست، هم جنگ هست. جنگ هم هست، کما اینکه شما ببینید در قرآن چقدر از آیات، مربوط به جنگ است. این جور نیست که ما بتوانیم بگوییم که اسلام آمد برای اینکه جنگ را از بین ببرد؛ نه، جهت جنگ مهم است؛ جنگ با چه کسی؟ جنگ برای چه؟ این مهم است. طواغیت عالم می‌جنگند برای هوای نفس، برای قدرت‌طلبی‌های خودشان، برای اشاعه‌ی فساد. الان سال‌ها است صهیونیست‌ها دارند می‌جنگند اما برای مقاصد خبیث می‌جنگند؛ در مقابل آنها مؤمنین هم می‌جنگند- مجاهدین فلسطینی می‌جنگند، مجاهدین حزب‌الله می‌جنگند. ملت عزیز ما در دفاع مقدس و جنگ هشت‌ساله جنگید- اما این جنگ، مذموم نیست، ممدوح است، جهاد فی سبیل الله است؛ الَّذِينَ آمَنُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ؛ این مهم است که مؤمن قتال می‌کند اما برای اهداف الهی. وَالَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ فَقَاتِلُوا أَوْلِيَاءَ الشَّيْطَانِ (نسا، ۷۶). ببینید توجه به نکات تعبیرات قرآنی برای ما

دریچه‌هایی را باز می‌کند. (بیانات در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی ۱۳۹۸/۰۱/۱۴).

جهاد و رفع مشکلات

هر کشوری در هر برهه‌ای از تاریخ ممکن است بحران‌ها و مشکلاتی در مسیر پیشرفت و ترقی خود داشته و مجبور به تحمل و استقامت در شرایط متفاوت باشد. «عبور از مشکل چیز مهمی نیست، در گذشته ما بارها این را تجربه کردیم. این هم که بنده می‌گویم شرایط کشور شرایط خطیری است، خطیر به معنای بن‌بست و بحران نیست، این جور نیست که شرایط کشور بحرانی باشد. حالا من می‌شنوم گاهی کلمه بحران را از بعضی از تعبیرات؛ غلط است، کاملاً غلط است. نخیر، نه بحرانی است، نه ان‌شاءالله بحرانی خواهد بود، بن‌بست نیست، بن‌بست هم نخواهد بود؛ ولی خب مشکل است، مشکلاتی هست، باید از مشکلات عبور کرد. بدیهی است که در شرایط سخت مجاهدت در راه وظیفه و در راه خدا ثواب مضاعفی هم دارد، یعنی یک وقت هست شما بی‌دردسر، بی‌دغدغه، بی‌مشکل کارتان را در وزارتخانه انجام می‌دهید، یک وقت مشکلاتی دارید. خب وقتی مشکلات دارید و کار را با سختی انجام می‌دهید، طبعاً ثواب الهی بیشتر است و هدایت الهی هم وعده داده شده است؛ «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا» (عنکبوت، ۶۹)؛ یعنی شما وقتی مجاهدت کردید، تلاش کردید، خدای متعال هدایت می‌کند، راه درست را به شما نشان می‌دهد. گزیده‌ای از بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت ۱۳۹۷/۰۴/۲۴).

جهاد پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله وسلم)

«دستور جهاد با کفار و منافقین به پیامبر(ص) از جانب خداوند است هستند کسانی که

صاحبان قدرتند، صاحبان زر و زورند، مایل نیستند که این سفره گسترده رحمت الهی (وجود مقدس پیغمبر اعظم) مورد استفاده‌ی آحاد مردم قرار بگیرد؛ با قدرت آنها مخالفند؛ لذا در مقابل این حرکت الهی می‌ایستند. آن وقت خدای متعال می‌فرماید: **يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ اتَّقِ اللَّهَ وَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ** (احزاب، آیه ۱). دنبال آنها مرو، مراقب باش. در جای دیگر می‌فرماید: **يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ** (توبه، آیه ۷۳) با کفار و با منافقین مبارزه کن. می‌فرماید «جاهد»؛ نمی‌فرماید «قاتل»؛ «قاتلِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ» همیشه لازم نیست، اما جهاد همیشه لازم است. گاهی جهاد، جهاد سیاسی است، گاهی جهاد فرهنگی است، گاهی جهاد نرم است، گاهی جهاد سخت است، گاهی با سلاح است، گاهی با علم است؛ همه اینها جهاد است؛ اما در همه اینها باید توجه داشت که این جهاد، علیه دشمن است، علیه دشمن بشریت است، علیه دشمنانی است که به اتکای قدرت خود و زر و زور خود، وجود سنگین و مطامع خودشان را بر بشریت تحمیل می‌کنند. سازش با آنها معنا ندارد؛ **اتَّقِ اللَّهَ وَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ** (احزاب، آیه ۱) (بیانات در دیدار مسئولان نظام و میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی ۱۳۹۵/۹/۲۷).

بحث و نتیجه‌گیری

قرآن کریم به منظور دفع فتنه دشمن و خنثی نمودن ستم ستمگران و گرفتن حق و حقوق مسلمانان، به جهاد امر می‌کند. اگر اسلام جهاد را مورد تأکید قرار نمی‌داد، قدرت در دست ستمگران متمرکز می‌گردید و دیگر اثری از خوبی در جامعه دیده نمی‌شد. روح همه جهادها در قرآن، دفاع از حق است؛ چه جهاد ابتدایی باشد و چه دفاعی. جهاد ابتدایی در قالب هایی چون جهاد آزادی بخش به منظور نجات

ستمیدگان، جهاد با مفسدان، جهاد به منظور جلوگیری از یک عمل منکر و جهاد به منظور رفع موانع دعوت مطرح گردیده است. جهاد دفاعی گرچه مطابق با فطرت و سرشت آدمی است، اما به انگیزه الهی نیرومندی نیاز دارد؛ چرا که گذشت از مال و جان را می طلبد.

قرآن کریم همواره به بحث جهاد و دفاع پرداخته و آیات متعددی در ارتباط با جهاد و دفاع در این کتاب ذکر شده است که هریک به نوعی، اهمیت این مسأله را در امر حکومت و حفاظت از مرزهای جامعه اسلامی نشان می دهند. حضرت آیت اله خامنه ای در بیانات خود توانسته اند با استناد به آیات قرآن کریم، به تفسیر مسأله جهاد و دفاع پردازند. ایشان معتقدند که یکی از کارهای واجب و اصلی برای هر انسانی، چه در موضع یک فرد، چه در موضع یک جمع؛ که حکومت و یا یک قدرت باشد، این است که مبارزه کند. بدیهی است که در شرایط سخت، مجاهدت در راه وظیفه و در راه خدا ثواب مضاعفی هم دارد. ایشان با تکیه بر مفاهیم و آیات قرآن، به تفسیر مسائل اجتماعی پرداخته و تلاش کرده اند که با تکیه بر آیات، به اهمیت آنها در زندگی ما انسان ها اشاره کنند. مسأله جهاد و دفاع از مسائل نظامی و سیاسی مهمی است که با بهره گیری از آیات قرآن می توان به بررسی دقیق تر آنها پرداخت.

منابع

قرآن کریم

- خمینی، سید روح الله (۱۳۷۸). صحیفه امام، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (رحمه الله علیه).
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴). لسان العرب، تحریر جدید: علی شیر، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- پارسا، غلامعلی (۱۳۸۵). جوانان در جهاد و شهادت. مشهد: نشر الف.
- رستمی نسب، عباسعلی و ابراهیمی، مریم (۱۳۹۴). بررسی و تبیین جایگاه جهاد به عنوان یکی از مبانی دفاع مقدس در قرآن کریم، نشریه ادبیات پایدار (ادب و زبان، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی کرمان)، دوره ۷، شماره ۱۳، صص ۹۳-۱۱۴.
- سبحانی، جعفر (۱۳۸۳). منشور جاوید. جلد ۴۱. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- سجادی، سیدجعفر (۱۳۷۹). فرهنگ معارف اسلامی. جلد ۴. چاپ چهارم. تهران: کوش.
- ضیایی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۷۳). حقوق جنگ، تهران، دانشگاه علامه طباطبائی.
- قرشی، سیدعلی اکبر (۱۳۸۶). قاموس قرآن. جلد ۲. چاپ یازدهم. تهران: دارالکتب السلامیه.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۳). جنگ و جهاد در قرآن. قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- ناصرزاده، هوشنگ (۱۳۷۲). اعلامیه های حقوق بشر، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۳۸۷ ق). وسائل الشیعه، تهران: مکتبه الاسلامیه.

An Analysis of the Verses Cited by the Supreme Leader on the Subject of Jihad and Defense

*Hassan. Hekmatian Raz (Ph.D Student)
Higher National defence University*

Abstract

Islam is the end of the divine religions and all its rules and regulations are in accordance with the all-round growth, development and evolution of human beings. The law of jihad is one of the most important rules and teachings of Islam, which has been enacted and legislated to defend monotheism and remove obstacles and disturbing factors from the path of human evolution. Defense is a sacred, value-based concept based on human creation and one of the pillars of survival is to maintain the type and happiness of this world and the hereafter. True understanding and practical commitment of defense lead to security, justice and public welfare. The purpose of this study is to count and analyze the verses of the Qur'an cited by the Supreme Leader regarding jihad and defense, which has been studied and analyzed by the method of documenting and studying the documents and taking notes from his speeches.

Keywords: jihad and defense, jihad for the sake of God, struggle for religion, martyrdom